

از دکتر محمد افروز عالم،
اسسٹنٹ پروفیسر شعبہ فارسی
دانشگاه کشمیر سری ناگر

خدمات صوفیای پورنیہ (بہار) بہ زبان و ادبیات فارسی

ہر کہ تاریخ را بدقت نخوانده است بیشتر دچار سوء
تفہم شدہ است کہ دین اسلام در ہند با تسلط شاہان مسلمان
آمدہ است ولی این امر مورد توجہ است کہ فرہنگ و تعلیم
اسلام بتوسط صوفیای کرام آمدہ است شاہان مسلمان در
امور اسلام مداخلت نکرده اند بلکہ ہمیشہ در کار خود در
توسعہ و پیشرفت و استحکام دولت مشغول بودہ اند. دلیل
واضح این است کہ دہلی و آگرہ کہ پائتخت اینان بودہ،
مسلمانان ہمیشہ و در ہر عہد اینجا بعنوان اقلیت ماندہ اند.
صوفیای کرام اکثر مناطق دور دست را برای ریاضت
انتخاب کردہ بودند و بی طمع زندگی برای خدمت خلق خدا
کردند. توجہ مردم محلی بہ اینان جلب شد و مسلمان شدند.
در ایالت بہار فقط پورنیہ ناحیہ ای است کہ تقریباً پنجاہ
و پنج در صد جمعیت این ناحیہ مسلمان ہست. در خاک

پورنیه بسیاری از بزرگان و صوفیای کرام مدفون هستند.
همین صوفیا و بزرگان هستند که در ناحیه پورنیه برای ترویج
زبان و ادبیات فارسی کارهای نمایان انجام داده اند. مقاله
حاضر در مورد احوال و آثار همان صوفیا است که بتوسط
آنان زبان و ادبیات فارسی در منطقه پورنیه راه و رسم یافت
ولی با مرور زمان از اهل نظر مخفی است.

(۱) حضرت مولانا حفیظ الدین لطیفی: عالم جید
و نویسنده بزرگ و صاحب معرفت در راه و رسم تصوف
و شاعر شیرین سخن بود که بدست آن یکی از مهمترین
خانقاه پورنیه، خانقاه رحمانی، پدید آمد. مولانا در سالماری
که الآن در ناحیه کتیهار است چشم بجهان گشود و در ایام
خرد سالی از عاطفت پدری محروم شد. تحصیلات ابتدائی
در قریه خود یافت ولی چون خیلی با هوش و صاحب خرد
بود، برای تحصیلات عالی پتنه رفت. بعد از پتنه به دهلی که
در آن زمان مرکز علم و فن بود آمد و نزد مولانا نذیر احمد
محدث دهلوی حدیث نبوی خواند. میلان مولانا سوی
تصوف بود. پتنه برگشت و در خانقاه حضرت خواجه رکن
الدین داخل شد و بدست خواجه لطیف علی بیعت شد. بعد از
ریاضت چند سال خلافت یافت. بعد از این مولانا به خانه
برگشت و بتلیغ و اشاعت دین و محفل و شعر سخن پرداخت.

تصانیف زیادی دارد و دیوانش در سراسر هند معروف است. در آخر صفحه دیوان وی یکی از شاگردان وی مولانا محمد عابد حسین می نویسد، "مولانا حفیظ الدین قدس سره از اولیای اهل عشق و وجد، علم و معرفت بودند خصوصاً در کمال عشق و تحقیق علوم باطنه یکتا و بی مثال بودند بلکه در امت محمدیه ﷺ صاحب این چنین ملکه راسخ در عشق و معرفت و علوم باطنه از ابتدای دور تا این زمان در میان اولیای متقدمین و متأخرین کمتر بوجود آمده اند. ۱.

تصانیف

(۱) **لطائف حفظ السالکین** : موضوع این کتاب راه و رسم

تصوف و خزینه عرفان است چنانکه از عنوانش معلوم می شود، مقصد این کتاب پیروان خودش را از بدعات باز داشتن و درست تعلیم دادن است تا پیروان راسخ العقیده به شوند و به ضلالت و گمراهی دور بشوند و همه را تلقین و پابند شریعت کند. این کتاب در سال ۱۳۱۷ هجری قمری نوشته شده بود و در سال ۱۳۳۷ ق به توسط مولانا عابد صاحب چاپ شد.

(۲) **دیوان لطیفی** : این دیوان مشتمل بر اشعار فارسی و ارد

وی مولانا است که همه نظم و غزل پر از اسرار فلسفه و حده الوجود و راه و رسم تصوف است. با خواندن این دیوان حرارت ایمان تازه می شود. این کتاب در سال ۱۳۳۸ ق چاپ شد.

مناسب می باشد اگر چند شعر برای نمونه از دیوان لطیفی
ذیلاً بنگارم.

ای خوشا مردیکه گشت از وحدت جبار مست
بی هوای نفس اندر طاعت غفار مست
آفرین چشمی که آن گریان او باشد مدام
مرحبا آن دل که اندر سوزش آن یار مست
خوش تنی کز طاعتی دور از ریا رنگی گرفت
ای خنک جائی که گشت از باده اسرار مست

(۳) **تلك عشرة كاملة:** موضوع این کتاب هم وحدة
الوجود و اسرار و رموز وحدة الوجود است و آن همه را با دلائل
نوشته است.

(۴) **عجالة نافعه:** موضوع این کتاب پاکیزگی و طهارت
و نماز و روزه مبنی بر فقه حنفی است. این رساله برای پسر
کوچک خود نوشته بود.

من این جا فقط تصانیف که بزبان فارسی است آن را
ذکر نموده ام. علاوه بر این چندین کتاب بزبان اردو هم هست
که از ذکر آنها خود داری می کنم.

عادات و خصائل: مولانا صوفی و پیابند ارکان اسلام و دین
مبین بود. نه با کسی اختلاف داشت نه بطرف این میلان
بود. خودش می گوید:

فارغان را با کسی هرگز خلاف و جنگ نیست
جاہلان ہر ساعتی اندر خلافند و شقاق

او بر پایہ عالی وحدۃ الوجود نشستہ بود کہ در آن مقام بین
تسبیح و زنار فرق نیست خودش می گوید:

عاشقا تسبیح و زنارت یکی شد بیشکی
مذہب تو عشق آمد مشرب تو اشتیاق^۲

علاوہ بر تعلیم دین مولانا رسم بیعت را باقی گذاشت
و بتوسط مریدان او سراسر ناحیہ پورنیہ رو بہ رشد نہاد. الآن
ہم اثر و نفوذ این محنت باقی است. علاوہ بر این صوفی
بزرگ ناحیہ پورنیہ دارای اولیاء و بزرگان زیاد ہست مثل
شیخ سلیمان سہروردی و مخدوم حسین غریب، شیخ
مصطفی جمال الحق قدس سرہ و شاہ محمد وزیر در میان آنها
خیلی نامبرده و شہرت یافته ہستند کہ الآن ہم بہ مناسبات
عرس مزار و آرامگاہ آنان مرجع خلایق می باشد. و مسافران
وزائرین از سراسر کشور بالخصوص از ایالت بنگال برای
زیارت اینجا می آیند.

اگرچہ بعد از آمدن اسلام، زبان و ادبیات فارسی بہ این
ناحیہ آمدہ بود ولی این درباری بود فقط درباریان باہم حرف
می زدند معدودی چند کہ وظیفہ دولتی می خواستند آن زبان

رایاد می گرفتند و به دربار منسلک می شدند. به عبارت دیگر می توان گفت که این فقط زبان اداری بود ولی از محنت این صوفیای کرام و بزرگ انام عامه مردم هم از این زبان متعارف شدند چون همه کتابهای تصوف به زبان فارسی بود. برای آموختن آن فارسی رایاد گرفت. می شود گفت هر چند که حکومت و دولت برای پیشروی این زبان کار کرده است حصه صوفیاء کمتر از آنان نسیت.

تصنیفات و تالیفات

پس از شمه ای از تاریخ و روش آموزش و پرورش و زندگانی دانشمندان برجسته ادبی ناحیه پورنیه مناسب است که توجه خود را بسوی آثار برجسته که در این ناحیه بوجود آمد جلب کنم و کتابهای مهم فارسی را مختصراً مورد مطالعه قرار بدهم.

(۱) **بوی صبا: منشی مهتر علی صبا یکی از شاعران برجسته زبان فارسی و اردو، مؤلف بوی صبا است این کتاب اصلاً مجموعه کلام او است که به بحر زلیخای عبد الرحمان جامی است و علاوه بر این دو تا کتاب به نثر است. مسدس او کتاب دیگری است که از او بیادگار مانده است. از جمله شش بیت، چهار مصراع آن به اردو است و آخرین دو مصراع که**

به فارسی است، مال نظامی است. اینطور می توان گفت که
مسدس اردوی او اصلاً اثری است تضمین که سراینده بر
اشعار نظامی کرده است.

نمونه کلام.

توئ خالق آسمان وزمین
توئ مالک هر مکان و مکین
ترامی سزد تخت و تاج و نگین
سزای پرستش توئ بالیقین
خدایا جهان پادشاهی تراست
ز ما خدمت آید خدای تراست^۱

نمونه کلام اردو:

خدایا تو ہی خالق کار ساز
تو ہی چاره پرداز ہر با نیاز
ہر ایک عاجزون کا تو ہی جان نواز
بجز تیرے کوئی نہیں چاره ساز
در این بحر کشتی فگندیم ما
خدایا نما ساحل مدعا^۲

صبا در سال ۱۳۲۳ھ ق چشم از جهان فرو بست و سید
احسان حسن خان، رئیس مدرسہ رسول پور، تاریخ وفاتش را

به شعر این طور گفته است:

صبا که بود عزیز جهان و ماہر فن
نماند بزم سخن در جهان از آباد
دریغ و آہ کہ روحش پرید برگردون
فغان و حیف کہ جسمش بہ زیر خاک فتاد
بپا است شور قیامت بہ خانہ مرحوم
ز آہ و درد و الم رنج و نالہ و فریاد
بسال نقل او احسان بگفت این مصرع
صبا سخنور و جادو بیان مرد آزاد

(۵۱۳۲۳)

(۲) بوستان مسدس: نویسنده این کتاب منشی کرامت
حسین تمنا دلشاد پوری است. درباره تمنا^۱ یکی از معاصران

وی منشی مراد حسین یتیم می گوید:

”مثنوی طبعزاد و بلاغت نهاد صورت طراز معانی،
سخن پرداز لاثنی، فخر شعراء جهان، ناظم مسدس بوستان،
دبیر معجز نگار، شاعر عرفان شعار. صوفی بادلا آقای
منشی کرامت حسین تمنا دل شاد پوری“ وی بر بوستان
مسدس تقریظی نوشته است به این قرار
تمنا که دانش کرامت نماست

زغم بار آزاد چون سروبن
در این باغ دهرست فکر رساش
بهار مضامین نو و کهن
خوش آراست نظم مسدس، که بس
سراپاست جان بخش دل شاد کن
سنش بلبل خامه خواند یتیم
چه زیبا گل و بوستان سخن^۲

(۵۱۳۱۳)

(۳) دیوان مشتاق: حضرت مشتاق دل شاد پوری معاصر
یتیم و تمنا بود. او بزبان اردو و فارسی شعر گفته است.
دیوانش اهمیت زیادی دارد، نمونه کلام:

دلا دائم بهار گلشن دوران نمی ماند
که در فصل خزان گل در چمن خندان نمی ماند
همیشه حال مردم در جهان یکسان نمی ماند
بشب خورشید و مه در روز نور افشان نمی ماند
اگر خواهی که راز دل نهان ماند زبان مکشای
چو غنچه لب کشاید بوی گل پنهان نمی شد ماند^۱

(۴) دیوان حفیظی: مولانا شاه شرف الدین شرف حفیظی
چشم به یکی از روستاهای منطقه بهادر گنج گشاد.

تحصیلات مقدماتی آنجا خواند. بعداً برای تحصیلات ثانوی نزد مولانا حفیظ الدین لطیفی رفت و در سلک مریدان او شامل شد و خلافت یافت. نمونه کلام:

دور پر فتنه رسید ای شه شاهان مددی
عالمی ناله زن از فتنه شیطان مددی
صدقه پنج تن پاک علیهم رضوان
حفظ ایمان شرف راگنی بر آن مددی^۲

(۵) کلیات شیدا: عبد المجید شیدا هم در منطقه بهادر گنج بدنیا آمده بود. او حقوق خوانده بود و کار و کالت را دوست داشت و از ابتدای عمر مایل بشعر گوئی بود. شعر های انگلیسی را هم بزبان فاوسی ترجمه کرد. اشعارش بیشتر در مجله های "شباب" و "ندیم" که علی الترتیب از لاهور و گیا منتشر می شد چاپ می شد. او عمر طولانی نه یافته بود. در عهد شباب وقتیکه سنش فقط ۳۸ سال بود. چشم از جهان فرو بست نمونه کلام:

بخت واژ گون شیدا شبانه یوم می نالد

ز حد بگذشت حرفانم اغثنی یا رسول الله

(۲) **منتخب السیریا:** کرسی نامه اثر دیگری است که در

این زمان به نگارش آمده. این کتاب مشتمل به سیر و حصول

زمینداری آقای راجه سید عطا حسین رئیس ووالی کهگرا است.

خواجه فدا علی این کتاب را مرتب کرده است. این کی به نگارش آمد خود به زبان وی ملاحظه کنید:

”اثنای عشری که چون آبا و اجداد فقیر همواره ابل قلم بسرکار رئیس، وامیر بوده اند و پیوسته بم عنان ناظران پورنیه مانده“ این رساله در سال ۱۲۹۷ هجری قمری از چاپخانه نظامی کانپور چاپ شد.

(۷) **کلیات عزیزى:** این کتاب مجموعه کلام مولوی عبد العزیز عزیزى است که در سال ۱۳۱۲ هجری قمری از بنارس چاپ شد که بر دویست صفحه مشتمل است. مولوی عبد العزیز عزیزى پسر حاجی و منصف منشی فرید بخش بود. تحصیلات مقدماتی در خانه خودش خواند و پس از آن برای تحصیلات عالی به پورنیه رفت و از آنجا مدرک خود را گرفت و مدرس همان اسکول شد. سپس در سال ۱۸۹۲ میلادی در امتحانات مختاری موفق شد. و کار مختاری آغاز نمود. در سن ۳۰ سالگی در گذشت. در فن شعر و سخن قادر الکلام بود و شعر فارسی خوب می سرود ولی گاهی گاهی به زبان اردو هم شعر می گفت.

با ذکر چند شعر توجه خود بسوی دیگر معطوف می کنم:

در حیرتم که جان بجانا نمی رسد

در حسرتم که دست بدامان نمی رسد
چون روز شد سفید مرا موی مشک سا
لیکن شب فراق به پایان نمی رسد
محرورمانده ایم ز لعل گهر فشان
آری که گنج شه بگدایان نمی رسد ۲

نیز فرموده است:

چهره آن گل عذارم آرزوست
مرهمی سینه فگارم آرزوست
تربتم در کوی تو باید مرا
همچنین لیل و نهارم آرزوست
این همه گلشن چه کار آید مرا
بوسه آن گل عذارم آرزوست ۱

چند شعر دیگر نیز ملاحظه کنید.

از رخ دلبر گل و گلزار یاد آید مرا
از مه و خورشید آن رخسار یاد آید مرا
در گلستان چون روم از بهر گلگشت چمن
از نهال سروقد یار یاد آید مرا
پای زنجیری شدم در کاکل و موی صنم
کز شمیمش نافه تاتار یاد آید مرا

نیست باقی در وجودم در غمش جز استخوان
از رگ من تار زلف یاریاد آید مرا
چون روم در باغ جنت بعد مردن ای عزیز
بم در آنجا این گل و گلزار یاد آید مرا^۲

علاوه بر این کتابهایی که ذکر نمودم مخطوطات فارسی زیاد
هست که محیط آن همه این مقاله مختصری ممکن نیست،
انشالله یک موقع دیگر همه آن را مورد بحث و مطالعه
قرار می دهم.

منابع و مآخذ

۱. فرتاب مولانا محمد عیسی، ارمغان سخن، مطبع خواجه
دهلی، ۱۹۳۲ م
۲. فرتاب مولانا محمد عیسی، بوستان برای
دوستان، مطبع جهانگیر کشن گنج ۱۹۵۸ م
۳. رنگ و بو، مولانا محمد عیسی فرتاب، مطبع جهانگیر
کشن گنج ۱۹۴۰ م
۴. دکتر عبد الرقیب، آئینه پورنیه، (دو جلد) سنٹرل بکڈپو
کورٹ کمپاونڈ،
پورنیه، ۱۹۹۱ م

۵. فوزان، مولانا کبیر الدین، آئینہ پورنیہ، گرامین وکاس
سنستہا گنڈواس

محمدیہ بیلگچہی، پورنیہ ۱۹۹۱۰م

۶. پورنیہ پرفوجداروں کی حکومت، اکمل یزدانی، لیتھو
آرٹ پریس کشنگنج ۱۹۸۲م

۷. مظہر قیوم مظہر، خیمہ گل، الخلیل میموریل لائبریری
یتیم خانہ کمپلیکس

ارریہ، ۲۰۰۳م

۸. شیخ الحدیث حضرت مولانا سید حسین احمد مدنیؒ کے
اسفار بہار، اکمل

یزدانی، شیخ الحدیث بکڈپو منور منزل پوناس، کشن
گنج، ۱۹۹۷م

۹. ہفت روزہ انسان کا پورنیہ نمبر، مدیر اکمل یزدانی، کشن
گنج، جنوری

۱۹۵۵م

۱۰. وڈیادہر، مترجم دکتور قمر شادان، راجیہ بہاشا و بہاگ بہار،
پٹنہ، ۱۹۹۷م

۱۱. بہوما، سمپادک دکتور آدتیہ کمار ورما، ارریہ مہا وڈیالیہ،
پتریکا، ارریہ،

۲۰۰۳م

